

22 تن از درویش سلسله نعمت اللهی گنابادی روز 24 اسفندماه در شعبه 101 دادگاه جزایی شهرستان گناباد به اتهام اخلاف در نظم عمومي و تمرد از دستور پلیس مورد محاکمه قرار گرفتند .

در 28 تیرماه 1388 یکی از درویش گنابادی مرحوم شد که پیکرش علیرغم تهدید و فشار مأمورین امنیتی در آرامگاه خصوصی وی در مزار سلطانی بیدخت گناباد دفن گردید. متعاقب این اقدام ، همسر و دو فرزند و یکی از بستگان آن مرحوم و متصدی مزار سلطانی به دستور دادستان بازداشت شدند که این اقدام ، اعتراضات گسترده بازماندگان وی و درویش را در پی داشت و با حضور در مقابل دادستانی ، خواستار آزادی فوری بازداشتیها شدند. این اجتماع قانونی درویش با برخورد گارد پلیس و پرتاب گاز اشک آور به خشونت کشیده شد و عده ای مورد ضرب و شتم قرار گرفته و جمعی نیز دستگیر و پس از ساعاتی آزاد شدند. سپس با کیفرخواست دادستانی گناباد، درویش گنابادی به اخلاف در نظم عمومي و تمرد از دستور پلیس متهم گردیدند.

اسامی 22 تن از درویش که روز 24 اسفندماه در شعبه 101 دادگاه جزایی شهرستان گناباد به اتهام اخلاف در نظم عمومي و تمرد از دستور پلیس محاکمه شدند بدین قرار است:

- 1- علي كاشاني فر
- 2- محمد كاشاني فر
- 3 - شکرالله حسینی بیدختی
- 4- الیاس حسینی بیدختی
- 5- حسین مهدوی مقدم بیدختی 6
- 6 - علیرضا عباسی بیدختی
- 7- عبدالرضا کاشانی
- 8- سعید کاشانی
- 9- حسن عباس زاده بیدختی
- 10- ابراهیم عباس زاده بیدختی
- 11- علي محمد امانیان
- 12- احسان امانیان
- 13- محمد علي جعفري
- 14- رضا کاخکی
- 15- بهروز مجاوری
- 16- روشن مجاوری
- 17- علي مروی
- 18- محمد مروی
- 19- روح الله صفري
- 20- رامین سلطانخواه

در ابتدای جلسه علی موحدی راد به عنوان دادستان، شخصاً به دفاع از کیفرخواست تنظیمی پرداخت و سپس متهمین و وکلای مدافع در اویش دفاعیات خود را مطرح کردند.

دو تن از افرادی که محاکمه شدند از غیر در اویش و از اهالی گناباد بودند و در جلسه دادگاه اعلام نمودند که ما در اویش نیستیم اما از اینکه امروز با در اویش محاکمه می شویم افتخار می کنیم. صحبت‌های این دو متهم با تشویق و ابراز احساسات حضار در جلسه همراه شد اما خشم دادستان و ریاست دادگاه را برانگیخت به گونه ای که وکلای مدافع در اویش را تهدید به بازداشت کردند.

کیفرخواست دیکته شده به دادستان گناباد و گزارش‌های اداره اطلاعات همگی حکایت از توطئه ای آشکار علیه در اویش و پیروان طریقت نعمت الهی گنابادی دارد. اهانت به اعتقادات متهمین و بیان تاریخچه ای کذب از تصوف در ایران و اظهارمسایلی بی ارتباط با اتهامات انتسابی در کیفرخواست، صرفاً به منظور تشویش و انحراف ذهن قاضی و خوشایند مراکز امنیتی تنظیم شده و فرقه و ضاله خواندن در اویشی در گزارش‌های اداره اطلاعات نمونه‌هایی از آن است.